

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
هاشمی رفسنجانی در کمین است تا به خامنه ای بفهماند که مقابله با بحرانهای موجود در عرصه داخلی و بین المللی خارج از ظرفیت کوتوله های سیاسی می باشد و بدین ترتیب همه را و منجمله ولی فقیه نظام را وادار به قبول نقش نجاتبخش خود کند.

در این میان تئورسیتهای جبهه ی درهم شکسته دوم خرداد که به علت سایقه ی شعلی خود در نهادهای امنیتی از رویکرد مردم به خوبی آگاه هستند تلاش می کنند تا از فرو پاشی توهم «اصلاح درونی نظام» جلوگیری کرده و با به هم بافتن مشتت حرفهای کهنه شده، مردم و نیروهای پیشروی اجتماعی را از هر حرکت مستقل بازدارند.

حرکت دانشجویان در روز ۱۶ آذر امسال که بنا به گفته بسیاری از ناظران سیاسی، دانشجویان لاشه سیاسی خاتمی را به خاک سپردند، تئورسیتهای دوم خرداد را وادار کرده که هریک به نوعی جنبش پیشتاز دانشجویان و جوانان را از حرکت مستقل بازدارند.

سخنرانیها و نوشته های آقایان سعید حجاریان، علی ربیعی و سید مصطفی تاج زاده در همین رابطه قابل درک است.
سرمقاله روزنامه شرق در روز یکشنبه ۲۹ آذر به مجادله با کسانی که انتخابات ریاست جمهوری اسلامی را تحریم خواهند کرد پرداخته است. در ابتدای این سرمقاله که نویسنده آن سید مصطفی تاج زاده است نوشته شده: «دو جریان با برپایی «انتخابات آزاد» مخالفتند. «اقتدارگراها» و «براندازان» اعم از مجاهدین خلق، سلطنت طلبان، مارکسیستهای معارض که برپایی انتخابات آزاد را نشانه و موجب افزایش مشروعیت جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر خود ارزیابی می کنند. در یکی دو سال اخیر عده ای که خود را اصلاح طلب رادیکال می خوانند، با این استدلال که شرکت در انتخابات موجب یاس و ناامیدی شهروندان می شود، از تحریم انتخابات حمایت کرده، عدم شرکت در آن را گامی در جهت تقویت دموکراسی خواهی می خوانند.»

آقای تاج زاده برای آن که به استدلالهای بی پایه خود در مورد نفی سیاست «تحریم» رنگ و لعاب

تئوریک بزند به موافقان تحریم توصیه می کند که کتاب «بیماری کودکی چپ روی» (بدون معرفی لنین به عنوان نویسنده آن) را مطالعه کنند تا «خود ملاحظه کنند رادیکالترین انقلابیون قرن بیستم این راهبرد را چگونه نقد کرده اند.»

تردیدی نیست که سید مصطفی تاج زاده دچار توهم وجود «انتخابات آزاد» در نظام ولایت فقیه نیست و مهمتر این که او هرگز به یک انتخابات آزاد اعتقادی ندارد. اگر تاج زاده به انتخابات آزاد اعتقاد داشت، انتخابات روز دوم خرداد سال ۱۳۷۶ را «آزاد» اعلام نمی کرد.

تاج زاده از یک طرف می نویسد که: «روشن است که انتخابات آزاد مستلزم وجود آزادی بیان، مطبوعات و احزاب است.» و از طرف دیگر مارکسیستها را به خاطر آن که هیچ انتخاباتی را در چارچوب نظام ولایت فقیه و با وجود شورای نگهبان و نظارت استصوابی و در فقدان «آزادی بیان، مطبوعات و احزاب» آزاد و دمکراتیک نمی دانند مورد تهاجم قرار می دهد و آنان را مخالف انتخابات آزاد و همسو با ایادی خامنه ای که تاج زاده آنان را «اقتدارگراها» می نامد اعلام می کند.

وقتی دانشجویان در روز ۱۶ آذر خاتمی را متهم به عقب نشینی از انجام قولهایش کردند، خاتمی در پاسخ گفت: «عقب نشینی از چه؟ چرا دوستان فکر و تصور می کنند و وقتی تصورشان جور نشد، می گویند عقب نشینی! بنده چه شعاری دادم که از آن عقب نشینی کردم؟ (دانشجویان فریاد زدند آزادی انتخابات) که رییس جمهور به آنها گفت: جا برای بحث وجود دارد. وی ادامه داد: اگر هم عقب نشینی بوده، بنده در مقابل هیچ کس و هیچ چیز عقب نشینی نکرده ام، در مقابل نظامی که به آن معتقدم، عقب نشینی کرده ام» (ایسنا ۱۶ آذر ۱۳۸۳)

خاتمی راست می گوید و از ابتدا هم همواره سرسپردگی خود را به ولی فقیه نظام اعلام می کرد. در این میان کسانی اشتباه کردند که به خاتمی توهم داشتند و او را «اصلاح طلب» معرفی می کردند.

در سرمقاله روز سه شنبه ۱۷ آذر نوشته شده: «دیروز روز سختی را از سر گذرانیم. روزی که گروهی از ما (رای دهندگان به محمد خاتمی) نه در نفی خاتمی که در نفی رای خویش سخن گفتیم و نه فقط نقد که نهیب سردادیم.»

هفته نامه صدا که در اصفهان منتشر می شود در شماره روز جمعه ۲۷ آذر حضور خاتمی در روز ۱۶ آذر را «پایان دردناک رئیس جمهوری» اعلام کرده و در مورد برخورد دانشجویان با وی می نویسد: «باید جلوی نفرت را گرفت زیرا اگر فیتله این نفرت و خشم آتش بگیرد، خدا می داند چه بر سر این ملک و ملت خواهد آمد.»

روزنامه ایران جمعه در شماره روز ۲۰ آذر خود به خوبی نقش خاتمی و امثال او را توضیح

داده است. این روزنامه در مورد حرفهای خاتمی در روز ۱۶ آذر می نویسد: «سید فاطمی باز هم ترجیح داد که موضوعات را باز نکند و در نقش رئیس شورای عالی امنیت ملی ایران به خوبی وظیفه خود را ایفا کرد زیرا او مثال بارز این ضرب المثل است که -گر پرده بر افتد نه تو مانی و نه من-»

از این روشنتر و صریحتر نمی توان در مورد خاتمی و هواداران او همچون سید مصطفی تاج زاده حرفی زد. بقای اینان در گروهی بقای نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است و اگر «پرده» ولایت فقیه «برافتد» نه خامنه ای «می ماند» و نه خاتمی و تاج زاده.

همه ی افراد و جریانهایی که در چارچوب نظام حاکم قرار دارند و متعهد و ملتزم به اصل ولایت فقیه که از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی غیر قابل تغییر است می باشند، نمی توانند به انتخابات آزاد معتقد و به رای مردم وفادار باشند. اولین و مهمترین شرط برای یک انتخابات آزاد، نفی ولایت فقیه، نفی استبداد مذهبی حاکم بر ایران و استقرار یک جمهوری دمکراتیک بر اساس جدایی دین از دولت است.
دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۳



ثبت یک روز تاریخی دیگر توسط جنبش دانشجویی

منصور امان

دانشجویان سراسر کشور با برگزاری گردهمایی و نشستهای سخنرانی، به استقبال شانزدهم آذر رفتند. در این آیینها، جنبش دانشجویی برآمجهای آزادخواهانه خویش پای فشرد و نشان داد که خط سرخ اعتراض و مبارزه در دانشگاه، همچنان دهه های گذشته و امروز را به یکدیگر پیوند می دهد.

در تبریز بیش از دوهزار دانشجو در تریبون آزاد دانشگاه این شهر شرکت کردند و با ایراد سخنرانی و سردادن شعارهایی علیه استبداد و سرکوب، ۱۶ آذر را گرامی داشتند. در مشهد به همین گونه، دانشجویان دانشگاه فردوسی، گردهم آمدند تا بر مطالبات دمکراتیک و ضد استبدادی خود تاکید کرده و اراده خویش برای تداوم مبارزه را به نمایش بگذارند.

برجسته ترین نمود اراده مبارزاتی جنبش دانشجویی در این روز، در دانشگاه تهران به ثبت رسید. دانشجویان با به چالش گرفتن مستقیم رییس جمهور رژیم ملاما، یک روز تاریخی دیگر را رقم زدند.

هزاران دانشجو، نمایش حکومتی که به بازیگری رییس جمهور «اصلاح طلب» آن روی پرده رفته بود را از نخستین دقایق اجراء با فریادهای

اعتراض، شعارهای افشاگرانه، پلاکاردهایی با مضامینی علیه استبداد دینی و مقاومت در برابر صدها گماشته امنیتی، حراست، بسیجی و جز آن، برهم زدند.

باوجود آنکه عوامل حکومت تلاش کرده بودند، سالن این نمایش رسوا را با وابستگان و گماشتگان خود پر کنند، دانشجویان از سدهای چیده شده عبور کرده و مانع فیصله یافتن بی دردرس و بی هزینه ی آن شدند. در حالیکه شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «خاتمی می لرزد، از دانشجو می ترسد»، «مرگ بر استبداد» توسط هزاران دانشجو در بیرون سالن تکرار می شد، در داخل سالن نیز نه خاتمی و نه هیچیک از «نمایندگان» خود خودخوانده ی دانشجویان، موفق به رها کردن گریبان خود از چنگ فریادهای اعتراضی و سخنان افشاگرانه ی دانشجویان نشدند.

۱۶ آذر ۱۳۸۳ به مثابه روزی که «اصلاحات» دروغین جمهوری اسلامی به همراه مترسک آن به زیر کشیده شد، در تاریخ جنبش دمکراتیک و انقلابی مردم ایران به ثبت خواهد رسید. موج خشم دانشجویان در این روز، توهم دگرگونی در چارچوب جمهوری اسلامی را روید و به روشنی نشان داد که به سوی کدام افق یال برکشیده است.

۱۷ آذر ۱۳۸۳